گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر حجت‌الله عبدالملکی

دانش اقتصاد و اقتصاد دانش

عکس: ابراهیم حیدری، وطن امروز

بخش دوم و پایانی

امسال در ادامه تأکیدات مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی و این‌بار با تأکید بیشتر بر عملیاتی کردن این تفکر، «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» شعار سال قرار گرفت. ستون اصلی اقتصاد مقاومتی هم درون‌زایی و گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با تکیه بر نیروی انسانی عظیم، خلاق و متخصص کشورمان است. اقتصاد دنیا با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال تغییر است. نیروی جهانی‌شدن و پیشرفت تکنولوژی در حال تغییر نحوه امرار معاش مردم جهان است. بسیاری از کشورهای جهان بویژه کشورهای در حال توسعه سعی دارند با استفاده از این موج تغییرات، رشدی سریع و ناگهانی در اقتصاد خود ایجاد کنند. سایر کشورها بویژه در منطقه یورو در حال منازعه با این تغییر جهت‌های اساسی در اقتصاد جهانی هستند. این کشورها با پیشتازی انگلستان، برای حفظ جایگاه اقتصادی خود در دنیا نیاز به یک نرخ رشد تراز شده در طول سال‌های جاری و آتی دارند تا بتوانند موفقیت‌های اقتصادی خود را حفظ کنند. این تراز نرخ رشد تنها از یک مجرا قابل حصول است؛ اقتصاد دانش‌بنیان. معمولاً اقتصاد دانش‌بنیان چه در دید عامه و چه در دید سیاست‌گذاران بد تفسیر می‌شود. بسیاری به این مقوله به دید نابودی مشاغل و درآمدزایی از چیزهای انتزاعی و جهت‌گیری به سمت خدمات به جای ساخت و تولید می‌نگرند، در صورتی که اقتصاد دانش‌بنیان همانقدر که به خدمات اهمیت می‌دهد، به همان میزان یا شاید بیشتر برای تولیدات اهمیت قائل است. اقتصاد دانش‌بنیان به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که سعی در بهره‌برداری از دانش و تکنولوژی به جای دارایی‌های فیزیکی و کار یدی دارد. به طور کلی عبارت «اقتصاد دانش‌بنیان» نتیجه شناخت نقش دانش و تکنولوژی در اقتصاد است. دانش متجسم در بشر و تکنولوژی همیشه یکی از ستون‌های اساسی اقتصاد بوده است اما تنها در سال‌های اخیر است که به دلیل رشد تصاعدی و سریع آن این اهمیت بیشتر و اساسی‌تر مورد توجه قرار گرفته. هرچند اقتصاد دانش‌بنیان و به طور کلی پیشرفت‌های علم و تکنولوژی در دنیا تا ۴۰ سال پیش بیشتر تحت حمایت‌های دولتی انجام می‌شد، هرچه می‌گذرد نقش بخش خصوصی در این زمینه پررنگ‌تر می‌شود.

از طرفی در کشورهای توسعه‌یافته، رویکرد دولت‌ها به سمت سیاست‌های تشویقی برای سوق دادن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سمت ایجاد و فعال کردن بخش‌های تحقیق و توسعه بوده است. تشویق‌های مالیاتی در کنار کمک‌هزینه‌های تحقیقاتی از جمله این سیاست‌هاست که با مطالعه اسناد منتشر شده توسط اتحادیه اروپا مشاهده می‌شود تحقیقات گسترده‌ای در باب نوع این تشویقات به تفکیک جامعه هدف آنها انجام پذیرفته است. برای مثال مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های بزرگ سودمندتر از بنگاه‌های متوسط و کوچک اقتصادی است. ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۱ دارای قوانینی در باب اعتبارات مالیاتی تحقیقات و آزمایشات (همان تحقیق و توسعه) بوده است که به مرور زمان توسط کنگره تکمیل شده و در سال ۲۰۱۵ به طور ثابت وارد برنامه بودجه شد. هرچند میزان تأثیر تشویقات و اعتبارات مالیاتی میان اقتصاددانان محل بحث است اما بسیاری از آنان معتقدند روی هم رفته باعث افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه می‌شود. هرچند اندازه‌گیری تأثیر واقعی اعتبارات مالیاتی در این افزایش و توسعه کار دشواری است اما آمار یکی از تحقیقات انجام گرفته در کشور آمریکا را برای نمونه در اینجا عنوان می‌کنیم. در کتاب «تجارت در اقتصاد دانش‌بنیان: حقایق و چالش‌های سیاست‌گذاری» آمده است: «الزام سیاست‌گذاری: هدف برنامه‌های اجتماعی باید توانمندسازی افراد باشد. دولت باید بیشترین تعداد درها را برای بیشترین افراد باز کند». در این کتاب با اشاره به اینکه سیاست اصلی یکسان‌سازی درآمدها در کشور کانادا، مالیات افزاینده بر درآمد شخصی است، عنوان می‌دارد اگر هدف ما توانمندسازی مردم است و اگر می‌خواهیم بگذاریم خالقان دانش محصول کاشان را حفظ کنند، این نوع مالیات‌ها به دلیل ممانعت‌شان از تفکر خلاق، بسیار ناعاقلانه هستند. با مشاهده اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان در ساختار آینده اقتصاد جهان، می‌توان به لزوم فعالیت هرچه بیشتر در این حوزه پی برد و باید توجه داشت که سرعت اقدامات هموارسازی راه برای فعالان این عرصه یکی از کلیدی‌ترین نکات است، چرا که با سرعت پیشرفت دانش و فناوری، لحظه‌ای غفلت شاید موجب ایجاد فاصله‌ای شود که جبران آن، اگر نگوییم ناممکن، بسیار سخت خواهد بود.

پیرو همین بحث شما را دعوت به خواندن ادامه گفت‌وگو با جناب آقای دکتر عبدالملکی می‌کنیم.

در بخش اول مصاحبه با دکتر «حجت‌الله عبدالملکی» استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) درباره کلیات و تعاریف اولیه نظام اقتصاد اسلامی و همچنین مکاتب اقتصادی مختلف و نظریات آنها گفت‌وگو کردیم.

حال در بخش دوم قصد داریم به تعاریف اولیه‌ای از اقتصاد دانش‌بنیان بپردازیم و با مصادیق و مثال‌های آن به طور دقیق‌تر آشنا شویم. در این گفت‌وگو سعی شده است ابتدا بسترها و پایه‌های یک اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری به طور مفصل شرح داده شود سپس به عیوب و موانع پیش روی این اقتصاد در کشور اشاره گردد. همچنین یکی از نکات بسیار مهم و مورد تاکید در بخش دوم این مصاحبه، تبیین رابطه اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی است که اجرایی شدن آن می‌تواند استقلال کشور را در مسیر بالندگی، شکوفایی و استقلال قرار داده و کشور را در بسیاری از جنبه‌ها به توسعه مورد نظر مسؤولان و مردم برساند.

***

■ می‌خواهیم توضیح دهید که اقتصاد دانش‌بنیان مورد تاکید رهبری چیست، اصول آن مبتنی بر چه مواردی است و کارکردهای اقتصاد دانش‌بنیان چیست؟ و اینکه اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصاد مقاومتی چه رابطه‌ای دارد؟

از این بحث مکتب و نظام تنزل می‌کنم به اقتصاد مقاومتی. اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. این یعنی چه؟ یعنی اصول مکتب، ثابت است. فکر می‌کنم چیزی حدود ۸ هزار گزاره مکتبی در حوزه اقتصاد داریم که به عنوان اصول مطرح هستند.

■ ۸ هزار گزاره به عنوان اصول؟!

بله! چیزی حدود ۸ هزار گزاره که البته به صورت کامل تدوین نشده‌اند. یکی از کارهایی که بنده شروع کردم و در حال انجام آن هستم این است که این گزاره‌ها را مدون نمایم.

این ۸ هزار قاعده کلی در بستر زمان و مکان باید متجلی شود. تجلی این موارد به شکل زمان و مکان شما وابسته است. زمان و مکان دقیقاً مثل آینه است. وقتی نوری به یک آینه بتابد اینکه بازتاب آن چگونه خواهد بود به شکل آینه بستگی دارد.

در اتاق آینه‌ها، از جلوی هر آینه که رد می‌شوید، شما را یک شکل نشان می‌دهد اما اگر دقت کنید نوری که به آینه می‌تابد، یکسان است. مکتب اقتصادی اسلام هم همیشه ثابت است. در همه زمان‌ها و مکان‌ها مکتب ثابت است. یعنی نمی‌توانیم بگوییم یک جا عدالت لازم نیست. نه! عدالت همیشه لازم است این آینه وقتی تغییر می‌کند بازتاب را تغییر می‌دهد. اکنون ما هم در یک آینه‌ای هستیم. اقتصاد ایران در این دهه‌ها که در آن قرار داریم آینه‌ای است که شکل خاصی دارد و به نظر من این آینه پر از خصومت اقتصادی است، کج و معوج است، یک حرارتی از پشت به آینه خورده و موج‌دار شده است. خب! حالا اگر در این آینه مکتب بخواهد متجلی بشود شکل خاصی پیدا می‌کند. آن شکل خاص اسمش اقتصاد مقاومتی می‌شود. نظام اقتصاد مقاومتی. نظام اقتصاد مقاومتی، نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام چیست؟ بازتاب پرتوهای اصول مکتب در آینه زمان و مکان. الان چون آیینه‌مان به این شکل است نظام اقتصادی‌مان هم یک شکل خاصی می‌شود. حالا این شکل خاص را باید بیابیم و طراحی و بعد اجرا کنیم. چه طور طراحی کنیم؟ مثل فیزیک دبیرستان که یک شمعی را جلوی آینه در فواصل مختلف می‌گذاشتیم و در مورد تصویر آن و اینکه بزرگ‌تر شده است یا کوچک‌تر یا اینکه وارونه شده یا خیر بحث می‌کردیم. اینجا هم می‌گوییم پس باید نور را بشناسیم. آینه را هم بشناسیم که این آینه چه خصومت‌هایی در آن وجود دارد که ما می‌گوییم کج و معوج است. این زوایایی که در آینه شکل گرفته چه چیزهایی است؟ و ظرفیت‌های این آینه، یعنی قدرت مختص این آینه چه چیزی است؟ نور به این آینه می‌تابد و منعکس می‌شود تا من نظام را طراحی کنم. نظام یک بعد سخت و یک بعد نرم دارد. بعد سختش همان ساختارها و قوانین و در واقع سازمان‌ها و امثال آن هستند، بعد نرمش هم هنجارها، فرآیندها، انگیزه‌ها و نظایر اینهاست. به اصطلاح به دو بخش ابجکتیو (Objective) و سابجکتیو (Subjective) یا نرم و سخت تقسیم می‌شود. بخش‌های نرم آن از جنس فرهنگ و بخش‌های سخت آن هم از جنس ساختار است. حالا در این میان یک سری سیاست‌های کلی را رهبری مطرح کردند. این سیاست‌های کلی برآمده از مکتب اقتصادی اسلام و با لحاظ سیستم اقتصادی یا همان آینه‌ای که درباره‌اش توضیح دادیم تبیین و تبدیل به ۲۴ بند شده‌اند. اقتصاد دانش‌بنیان، بند دوم از این ۲۴ بند است. یعنی اصول مکتب آمده در چارچوب اقتصاد ایران که یک آینه کج و معوج است، چون خصومت در آن وجود دارد، متجلی شده و تبدیل به یک نظام شده است. این ۲۴ بند، ۲۴ قاعده مربوط به نظام است.

■ رهبری این ۲۴ بند را مشخص کرده‌اند؟

بله! این بندها برخورد مکتب با شرایط فعلی کشور است. مثلاً مکتب می‌گوید نفی سبیل، یعنی نباید کاری کنیم که دشمن بر ما مسلط شود. در شرایط فعلی می‌بینیم که دشمن دارد ضد ما نقشه طراحی می‌کند. این دو را که کنار هم می‌گذاریم به یک اصل و به یک قاعده در نظام می‌رسیم. باید برنامه‌های دشمن را رصد کنیم و سیستم عکس‌العمل هوشمند برایش طراحی نماییم. پس اینها ۲۴ مورد است که رهبری با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعداد زیادی از اساتید دانشگاه‌ها آن را تدوین و تصویب کردند و ابلاغ شد. ۲۴ قاعده که برای طراحی نظام است ولی دو نکته در آن وجود دارد. اولاً همه نظام این موارد نیست، بلکه بعضی از ابعادش است. مثلاً من به شما می‌گویم یک خانه برای من بسازید که ۴ طبقه باشد و به سمت شمال نورگیری داشته باشد و اتاق پذیرایی آن بزرگ باشد. ۲۴ شرط کلی به شما می‌گویم. حالا شما می‌گویید خب! بقیه مواردش؟ من می‌گویم: بقیه مواردش را هم برو و دربیاور. من راجع به این ۲۴ مورد گفتم که این طور باشد. سایر موارد هم باید خوب و مناسب باشد.

■ یعنی براساس استانداردها و اصول باشد.

بله! دقیقاً! این ۲۴ مورد را رهبری گفتند. این ۲۴ ویژگی را به طور کلی داریم. اما نظام اقتصادی همه‌اش اینها نیست. خود حضرت آقا می‌گویند این موارد، کامل نیست. ممکن است موارد دیگری هم وجود داشته باشد، بروید سایر موارد را هم استخراج کنید. اکنون به این فرآیند طراحی گفته می‌شود. حالا پس از طراحی بروید و اجرا کنید. برای اجرا چه باید کرد؟ اقدام و عمل! طراحی نظام و ساخت نظام دو مورد متفاوت است. یک وقت شما خانه‌ای را طراحی می‌کنید. همه نقشه‌هایش را می‌کشید. مثلاً ۱۵ تا ۲۰ نقشه درمی‌آورید و می‌گویید بسازیم. خب! آجرمان کجاست؟ کارگرمان کجاست؟ سیمان‌مان کجاست؟

در طراحی همه ظرفیت‌ها درگیر نمی‌شود ولی در ساخت باید تمام ظرفیت‌ها را درگیر کرد.

■ در حال حاضر طراحی به طور کامل انجام شده است؟

نخیر، نشده است.

■ به این علت نیست که در دولت و سیستم اجرایی ما بروکراسی شدیدی حاکم است و هر برنامه و تغییری که بخواهد اعمال شود، به سختی آن را می‌پذیرد و اجرا می‌کند؟

آفرین! این موردی که اشاره کردید می‌دانید یعنی چه؟ یعنی اینکه می‌گویید این آینه دو نوع خصومت دارد، یک خصومت خارجی و یک خصومت داخلی. پس شما در جریان فرآیند این نظام‌سازی باید چه کار بکنید؟ باید بستر را آرام‌آرام آماده کنید. کار خیلی سخت و سنگینی است ولی مهم است و به خاطر همین است که نتایج آن بسیار شگفت‌انگیز خواهد بود. حالا شما می‌گویید صبر کنید تا در این مسیر ابتدا فکر و ذهن مسؤولان را اصلاح و پالایش کنیم. مثل اینکه بگوییم باید اول از این زمین نمک‌زدایی کرد. من می‌خواهم در این زمین کشتی انجام بدهم اما شوره‌زار است. پس در ابتدا باید نمک‌زدایی انجام بگیرد. در کشاورزی به این عمل زه‌کشی می‌گویند. یعنی تا می‌توانی روی این زمین آب بریز که این آب‌ها از طریق زه‌ها این نمک‌ها را بشوید و ببرد.

رهبری هم همین کار را می‌کنند. از هر فرصتی استفاده می‌کنند برای نمک‌زدایی مسؤولان! به مناسبت ماه رمضان می‌گویند، برای دانش‌آموزها که سخنرانی می‌کنند می‌گویند، در دیدار با مجلسی‌ها می‌گویند. تازه! این مرحله اول است. پس از آن باید زمین را شخم بزنیم، بعد مثلاً مسطحش کنیم، بذر بکاریم و ادامه کار. ما اکنون در مرحله نمک‌زدایی هستیم.

■ اصل دوم اقتصاد مقاومتی را هم توضیح بدهید.

خب! حالا اقتصاد دانش‌بنیان. در حوزه مکتبی اگر نگاه بکنیم در واقع در چارچوب اصل عدالت اقتصادی و عزت اقتصادی یکی از خروجی‌هایش به دو دلیل دانش‌بنیان بودن اقتصاد می‌شود.

اول اینکه اقتضای عدالت اقتصادی این است که بهره‌وری عوامل تولید افزایش پیدا کند. مثلاً بهره‌وری زمین، بهره‌وری انسان، بهره‌وری تجهیزات صنعتی، بهره‌وری معدن، بهره‌وری دریا. یکی از روش‌های بسیار مهم برای ارتقای بهره‌وری، دانش است. یعنی اینکه شما دانش را به این بخش‌ها تزریق کنید. وقتی دانش را در کشاورزی، در صنعت، در دامپروری و مواردی مانند اینها می‌آورید، پرورش می‌یابند. اقتضای عدالت اقتصادی ارتقای بهره‌وری است. پس از جهت عدالت اقتصادی، دانش‌بنیان شدن اقتصادی یک ضرورت است.

دوم اینکه از جهت قاعده عزت اقتصادی که همان قاعده «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» است، اگر بخواهید ذیل یوغ استکبار نروید باید در حوزه‌هایی که خطرپذیر هستند و شما در آن حوزه‌ها حتی به استکبار وابسته هستید، پیشرفت کنید. الان ما در IT وابسته‌ایم، در هواپیما وابسته‌ایم، در دانش‌های روز دنیا وابسته‌ایم. برای اینکه این رفع وابستگی اتفاق بیفتد لازم است در آن عنصر استراتژیک که باعث وابستگی ما شده است پیشرفت کنیم یعنی دانش.

اینجا اقتصاد دانش‌بنیان یا دانش‌بنیان شدن اقتصاد، یکی از ابعاد نظام اقتصاد مقاومتی می‌شود. یکی از ابعادش یعنی چه؟ یعنی همان بحث ساختمانی که مطرح کردیم. می‌گوییم ساختمان مثلاً یک بعدش بحث نورگیر بودن است. نوع نورگیری باید شکل خاصی باشد. یک بحثش استحکام آن است. مثلاً شما می‌توانید یک آلاچیق بسازید که نورگیرش خوب باشد اما استحکام نداشته باشد. استحکام یک بعد دیگر است. حالا دانش‌بنیان بودن یکی از ابعاد نظام اقتصاد مقاومتی است که این دانش‌بنیان بودن هم از نظر شرایط روزگار یعنی آینه‌شناس و هم از نظر مکتب اهمیت پیدا می‌کند. پس اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که از یک بعد دانش‌بنیان است. یعنی چه؟ یعنی دانش در خلق ثروت و در مدیریت این اقتصاد جایگاه بسیار مهمی دارد. ما با دو مدل می‌توانیم اقتصاد را دانش‌بنیان کنیم یا بگوییم دو محور برای دانش‌بنیان کردن وجود دارد که هر دو محور باید دنبال شود. یکی این است که شما محصولات دانش‌بنیان تولید کنید. یعنی چه؟ یعنی محصولی که بخش قابل توجهی از ارزش آن به خاطر دانش استفاده‌شده در آن است. به طور مثال مگر مواد سازنده یک موبایل چقدر می‌ارزد؟ تقریبا هیچ! ولی قیمت آن قطعا عدد بالایی است. به این خاطر که یک دانشی با این مواد ترکیب شده است که این دانش دیده نمی‌شود ولی باعث شده این گوشی تلفن اینقدر قابلیت داشته باشد. پس این شد یک محصول دانش‌بنیان.

حالت دوم تزریق دانش به عرصه‌های مختلف اقتصادی است. مثلاً در کشاورزی می‌خواهیم گندم تولید کنیم. گندم یک محصول دانش‌بنیان نیست ولی اگر دانش را در فرآیند تولید گندم دخالت دادیم، این تبدیل به کشت گندم به صورت دانش‌بنیان می‌شود. این گندم به صورت سنتی و بدون دانش روز، به طور مثال هر هکتار یک تن محصول می‌داد. اما حالا که دانش را با آن ترکیب کردیم هر هکتار ۱۰ تن محصول می‌دهد. این گندم همان گندم است اما دانش در حجم گندم تجلی پیدا کرده است.

یا اینکه در مدیریت اقتصادی، شما دانش‌بنیان عمل می‌کنید و دانش را به پایین‌ترین لایه‌های تصمیم‌گیرنده تزریق می‌کنید. آن فردی که در بخشداری نشسته و می‌خواهد امضا کند که مجوز فلان فعالیت اقتصادی را بدهد یا ندهد باید در یک فرآیند علمی این تصمیم را اتخاذ کند. پس شما تصمیم‌گیری اقتصادی‌تان را هم دانش‌بنیان کرده‌اید.

■ حالا پس از آشنایی با اصول، می‌خواهیم ببینیم برای اجرای اقتصاد مقاومتی چه موانعی بر سر راه کشور ما قرار دارد و چه مقدار از این اصول اجرایی شده است.

الان نمی‌خواهم اسم از جایی ببرم. مثلاً یک دستگاهی می‌آید از این کلمه استفاده می‌کند. می‌گوید حالا که مثلاً رهبری در مورد اقتصاد دانش‌بنیان صحبت کرده‌اند، ما هم تعداد زیادی از فعالیت‌های‌مان در راستای اقتصاد دانش‌بنیان است. ما چه معیاری، چه شاخصی و چه خط‌کشی‌ای داریم که بگوییم این کار اقتصاد دانش‌بنیان هست یا خیر؟ به نظرم بحث معیارها از بحث موانع مهم‌تر است و باید ابتدا راجع به آن صحبت شود. به آینه نظام اقتصادی ایران که نگاه می‌کنیم در آن ظرفیت‌های ویژه‌ای می‌بینیم. ظرفیت اقتصاد دانش‌بنیان در ایران بسیار بالاست. چرا؟ چون ماده اولیه اصلی اقتصاد دانش‌بنیان نیروی متفکر است و ما نیروی متفکر زیاد داریم. با یک معیاری ما یک‌میلیون نخبه در کشورمان داریم. این یک میلیون نفر با یک استاندارد که قیمت‌گذاری شوند ارزشش یکصد میلیارد دلار می‌شود که خیلی عدد بزرگی است و در این مقیاس جزو کشورهای کم‌نظیر هستیم. مثل اینکه شما بگویید من این همه زمین دارم و معلوم است که باید کشاورزی کنم. خب! ما هم این همه نخبه داریم پس معلوم است که باید اقتصاد دانش‌بنیان درست کنیم. حالا برای اینکه اقتصاد دانش‌بنیان شکل بگیرد ما باید بتوانیم فرآیند تولید و انتقال دانش به اقتصاد در دو عرصه ثروت‌آفرینی و مدیریت اقتصادی را تسهیل کنیم. کسی اگر یکی از این دو فعل را انجام بدهد می‌تواند بگوید که در راستای اقتصاد دانش‌بنیان فعالیت کرده است. خب! حالا یک کسی می‌گوید که من آمدم و شرایطی را ایجاد کردم که فلان شرکت اقتصادی به این موفقیت دست یابد و این شرکت مصداقی از اقتصاد دانش‌بنیان است، بله! این هم درست است و این هم اقدامی مثبت در راستای دانش‌بنیان کردن اقتصاد می‌شود. اما اگر کسی بگوید من اقتصاد دانش‌بنیان درست کردم چون فلان شرکت را ایجاد کردم، این غلط است. این یعنی شما یک مفهوم کلی را در حد یک مصداق تغییر دادید. مانند اینکه اگر شما خودرویی دارید لاستیک هم دارید اما شما نمی‌توانید لاستیک بخرید و بگویید خودرو خریدم! خودرو باید یکسری از اجزا را داشته باشد تا بتوان به آن گفت خودرو. یک سری از امکانات، آپشن‌هایی هستند که مازاد محسوب می‌شوند اما اگر باشند بهتر است. مثلاً اگر خودرو دزدگیر هم نداشته باشد، خودرو است، کولر هم نداشته باشد، خودرو است. حالا یک خودرو پراید است و یک خودرو مرسدس بنز. شما باید یک حداقل ایجاد کنید تا بگویید این اقتصاد دانش‌بنیان است. شمایی که مثلاً فرض کنید ۹۰۰ هزار نفر از نیروی کار متخصص و تحصیلکرده‌تان، بیکار است، نمی‌توانید بگویید اقتصاد دانش‌بنیان دارید. مثل اینکه شما خودرویی دارید که موتور ندارد. پس در واقع شما اصلا خودرویی ندارید!

یکی از کارشناسان بانک جهانی که به اصطلاح متخصص اقتصاد ایران بود سال ۸۸ به کشور ما آمده بود. همایشی داشتیم که از طرف آنها بود و ما هم کمکشان می‌کردیم. او در آن همایش گفت چند درصد دانشجوهای شما خانم هستند؟ گفتیم حدود ۷۰ درصد [البته الان ممکن است بیشتر هم شده باشند]. بعد در مورد میزان اشتغال زنان سوال کرد و ما گفتیم خیلی از این خانم‌ها سر کار نمی‌روند؛ یا اصلاً دنبال کار نیستند یا می‌روند و پیدا نمی‌کنند. الان نرخ بیکاری در خانم‌ها ۴۰ درصد است. آن کارشناس کمی فکر کرد و گفت پس ما نمی‌توانیم بگوییم شما اقتصادتان دانش‌بنیان است. به ما برخورد و گفتیم چرا؟ گفت ببینید! وقتی توده نیروی کار شما تحصیلکرده است ولی توده بیکارتان هم همین تحصیلکرده‌ها هستند یعنی دانشگاه شما دارد برای خودش به صورت جدا فعالیت می‌کند. و این یعنی دانش به اقتصاد ورود نکرده است. اگر شما لیسانس گرفتید بعد رفتید کاری در اقتصاد یا کار تولیدی انجام دادید که یک فرد با مدرک سیکل هم بتواند آن را انجام دهد، این یعنی مشکل اقتصاد دانش‌بنیان. مشکل همین است که یک فوق‌لیسانس کاری انجام می‌دهد که یک دیپلم هم می‌تواند انجام بدهد. در اقتصاد دانش‌بنیان کاری که یک فرد با مدرک فوق‌لیسانس می‌کند، یک فرد با مدرک لیسانس یا فوق‌دیپلم نباید بتواند انجام دهد. از این منظر که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بخش زیادی از نخبگان ما در تولید نقشی ندارند؛ یا بیکارند یا شاغل هستند ولی کاری انجام نمی‌دهند که در آن از دانش خود استفاده کنند. مثلاً شما می‌گویید ما چند ده هزار مقاله تولید می‌کنیم ولی اینها در اقتصاد هیچ جا خودش را نشان نمی‌دهد. کشاورزی بهتر نمی‌شود و تولید هم دانش‌بنیان نیست. یا مثلاً می‌بینیم دانشگاه‌هایمان به سرعت رشد می‌کنند، دانشگاه آزاد، پیام نور، علمی- کاربردی، غیرانتفاعی و ... حتی دانشگاه‌های معتبر رشد می‌کنند اما با این حال اقتصاد و تولید ما رشد نمی‌کند. پس از همه اینها می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد ما دانش‌بنیان نیست. کسی که می‌خواهد اقتصاد را دانش‌بنیان کند باید شرایط را فراهم کند؛ ۱- تولید دانش، ۲- ورود دانش به اقتصاد در یکی از دو پارامتر مدیریت یا تولید محصول. البته باید قبول کنیم که در حال پیشرفت هستیم. ولی هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید هر کس کاری به صورت فردی و با تلاش شخصی انجام داد، اقتصاد دانش‌بنیان صورت گرفته است. باید پرسید کجای این پروسه را تکمیل کردید و یا چه نیرویی تربیت کردید؟ شما نمی‌توانید بروید و از کوهستان قارچ جمع کنید بعد بگویید من قارچ کشت کردم. مثلا دولت برود تعدادی نخبه که در روستا با بدبختی و مشقت، کار باارزشی را انجام داده‌اند، پیدا کند بعد به رهبری گزارش بدهد که بله! من اقتصاد دانش‌بنیان را اجرا کردم!

■ مثل این است که کنکور را برگزار کنند و بعد بگویند ما نخبه‌پروری کردیم.

دقیقاً! اینها رفتند سیستم آموزشی را تغییر دادند. مثلا قبلا، از هر دبیرستان ۲۰۰ نفره، ۳ نخبه بیرون می‌آمد الان در همان دبیرستان ۱۰ نخبه وجود دارد. یعنی کاری کردند که الان در دبیرستان به جای ۳ نخبه ۱۰ نخبه در سال دارد. خب! ما هم می‌گوییم دمت گرم! اما الان در دبیرستان اقتصاد دانش‌بنیان داریم؟

■ طبیعتا باید شرایط خاصی باشد تا این افراد به نتیجه برسند. مانند بذری که برای رشد کامل نیاز به شرایط مختلفی دارد.

بله! باید شخم زده شود، بعد آفتابش را تنظیم کرد، بموقع آب داد، مراقبت می‌خواهد تا آفت نزند. کارهای زیادی را باید برای آماده‌سازی انجام داد. الان حضرت آقا دارند تمام توانشان را می‌گذارند که این بچه‌های نابغه و تحصیلکرده ما به ثمر بنشینند. این نخبگان در هر مقطعی که هستند، اصلاً مدیران اجازه نمی‌دهند که توانایی‌هایشان به فعلیت برسد.